

متن پرسش

با سلام خدمت استاد طاهرزاده من یک دانشجو هستم و از وقتی که با مباحث شما آشنا شدم تناقضی در ذهنم در باب زندگی دنیوی ایجاد شده! بدین معنی که سعی نمیکنم از معاشرت با اطرافیانم لذت ببرم! از این که با برادر ۷ ساله ام حرف بچه گانه بزنم اکراه دارم! سوالی که از شما داشتم این بود که مرز بین سلوک دینی و بد اخلاقی چیست؟ چون اکثر کسانی که دورو بر من هستند چه از فامیل چه از دوستان با فضای شما آشنا نیستند حتی خود من هم کامل با این فضا آشنا نیستم حال چگونه میتوانم با این افراد معاشرت داشته باشم و رفتارهایی که شما در کتاب هایتان آن ها را تحقیر کرده اید (سفر رفتن، پارک رفتن و هزاران رفتار در حوزه های مختلف زندگی) را انجام ندهم. از این مسئله میخواهم این را نتیجه بگیرم که اگر بخواهم ازدواج کنم باید یک مجنون مثل خودم را انتخاب کنم یا احتیاجی نیست؟ چون اگر کسی با فضای شما آشنا نباشد قطعاً از پیشرفت مالی و مادی در زندگی خوشش می آید و از مردی که در کل زندگی اگر فقیرتر نشده باشد ثروتمند تر نشده؛ خوشش نمی آید و اصلاً چنین زندگی قابل تصور نیست! چه کار کنم؟ بگردم از چهار تا از این گروه ها و شاگردای خودتون یکی را پیدا کنم یا با خیال راحت قضیه را بسپارم دست مادرم؟ چون مادرم به خوبی میتواند دختر خوب پیدا کند فقط شاید آن دختر غریب زده باشد! سوال سوال فلسفی هست لطفا حذفش نکنید (مرز لذت حلال و سلوک دینی)

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام رسول خدا «صلوٰة الله علیه وآله» می فرمایند: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نُكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» ما پیامبران مأمور هستیم که در حدّ عقل مردم با آن ها سخن بگوئیم. به گفته‌ی مولوی پیامبر خدا «صلوٰة الله علیه وآله» از یک جهت در بین مردم اند و در کنار مردم و در همان حال از جهتی دیگر مانند ماه در آسمان معنویت قرار دارند. می گوید: «این یکی نقش اش نشسته در جهان.... و آن دگر نقش اش چو مه در آسمان» هنر شما نیز باید به همین صورت باشد. در مورد ازدواج هم سعی کنید کسی را جهت مادری فرزندان انتخاب کنید که غریب زده نباشد و گرنه فرزندان، شما را به سعادت واقعی نمی‌رساند. موفق باشید